

زندگی نامه علامه مجلسی



● بخشعلی قنبری

قضاوت و فتوی بود و نامش در المآثر و الآثار بطور اختصار و در نقباء البشر و دیگر کتاب‌ها مذکور است.

شش ساله بودم که پدرم وفات یافت و از محبت پدری محروم شدم، لکن آن را مادرم و برادرانم جبران نمودند و هر یک در حد توان خود در تربیت من کوشیدند.

مرا به مدرسه اقدسیه که از مدارس جدید بود و زیر نظر عالم محترم مرحوم آقا شیخ محمد حسین مشکوه زفره‌ای اداره می‌شد، فرستادند و پس از یک سال به مدرسه گلپایگانی که از

بهترین مدارس جدید در آن زمان بود، روانه کردند. مدرسه زیر نظر مرحوم آقا سید هاشم عدنانی با معلمانی مسلمان، متعهد، مؤمن و علاقه مند اداره می‌شد، سپس در دبیرستان سعدی درس خواندم آن گاه به تهران رفته و در دانشسرای عالی به تحصیل ادامه دادم.

اساتید: از شمار زیادی از بزرگان اهل علم و ادب بهره علمی یافته‌ام. اینک اسامی برخی از آنان که بیش تر از خرمن علم و دانش آن‌ها بهره مند شده‌ام بر حسب حروف تهجی بدون ذکر القاب علمی در پی می‌آید:

- مرحوم حاج میرزا محمد باقر امامی، فقیه و حکیم.
- مرحوم حکیم بزرگوار حاج شیخ محمدحسین فاضل تونی در تهران، فلسفه قدیم.
- مرحوم حکیم بزرگوار، حاج سید صدرالدین عاملی کوهپایه‌ای حسینی، منظومه حکمت.
- مرحوم حکیم بزرگوار آقاسید محمد کاظم عصار فرزند آقا سید محمد در تهران، فلسفه.
- مشایخ اجازه حقیر: جمعی از آیات عظام و حجج اسلام اجازه

شرح حال مؤلف به قلم خودش:

هیچ گاه مایل نبودم و نیستم که نامم در جایی ثبت و ضبط گردد، لکن از آن جایی که همیشه گردش امور برخلاف میل انسانی است، برخی از بزرگان علم و دانش و تحقیق، از راه بزرگواری خود، نام مرا در کتب خود ذکر نموده‌اند که از آن جمله است:

۱- آئین فرزندی نشریه ستاد بزرگداشت مقام معلم - اصفهان.

۲- تاریخ و فرهنگ معاصر نشریه مرکز بررسیهای اسلامی بخش تاریخی - قم.

۳- الذریعة مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی علیه‌الرحمه

۴- مختصر المکارم مرحوم معلم حبیب آبادی علیه‌الرحمه

۵- مصفی المقال مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی علیه‌الرحمه.

۶- مقدمه رساله اعجاز القرآن بقلم مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ

تهرانی علیه‌الرحمه.

۷- نقباء البشر علامه تهرانی در آن جا به نام محمدحسین بن محمدتقی یاد شده است.

در بامداد روز ۱۵ محرم الحرام سال ۱۳۳۴ هجری قمری در اصفهان در محله بیدآباد متولد شدم، پدرم مرا «محمدحسین» نامید و لقبم را «مصلح‌الدین» گذاشت که بعداً به این لقب، شهرت یافتم، همچون پدرم و برادرانم که همگی به لقب مشهور شده‌اند و نامشان مهجور و متروک مانده است. پدرم مرحوم آقا سیدشهاب‌الدین (سیدمحمد تقی) از علما، ادبا و مجتهدان اصفهان بود که عمر خود را در خدمت خلق و خالق گذرانید.

مادرم دختر عالم جلیل محقق، مرحوم آخوند ملا محمدحسین کرمانی اصفهانی، از بزرگان علما و مدرسان اصفهان و صاحب مسند



- علیهم السلام.
- دانشمندان و بزرگان اصفهان، مطبوع.
 - زندگینامه علامه محمد باقر مجلسی، دو جلد مطبوع.
 - زندگینامه امامین همامین عسکریین علیهما السلام، مختصر و مطبوع.
 - زندگینامه آیت الله حاج آقا حسین بروجردی عطرالله مضجعه، مطبوع.
 - زندگینامه سید هاشم علامه بحرانی، فارسی.
 - مشایخ و اساتید حافظ ابونعیم اصفهانی.
 - شرح حال علما هر یک جزوه‌ای و رساله‌ای مستقل.
 - شرح حال حاج سید محمد باقرین سید نقی موسوی حجة الاسلام شفتی مطبوع.
 - شرح حال جهانگیرخان حکیم قشقایی
 - شرح حال آقا سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، مطبوع
 - شرح حال ملامحسن فیض کاشانی
 - شرح حال ثقة الاسلام کلینی، محمدبن یعقوب.
 - شرح حال بانوی ایرانی حاجیه نصرت خانم امین.

مؤلف بزرگوار پس از یک عمر تحقیق، تالیف، تلاش و دفاع از حریم خاندان عصمت و طهارت، سرانجام یکشنبه ۲۶ محرم ۱۴۱۶ هـ. ق. برابر ۱۳۷۴/۴/۴ ش به سوی رحمت واسعة پروردگار هجرت کرد، و در میان اندوه فراوان علما، فضلا و دیگر طبقات حق شناس اصفهان، در «تکیه مهدوی» به خاک سپرده شد.

«تکیه مهدوی» آرامگاه خانوادگی خاندان محترم مرحوم مؤلف، در جنب «تکیه خاندان خاتون آبادی» در «تخت فولاد» اصفهان قرار دارد.

مرحوم مهدوی در بقعه مبارکه علامه مجلسی و در کنار مرقد مطهر آن شخصیت بی نظیر جهان تشیع، جای قبری داشت، ولی ترجیح داد که در پایین پای مادرش مدفون شود و به مصداق حدیث شریف: «الجنة تحت اقدام الامهات» در جهان برزخ و روز حشر، از این بهشت به سوی بهشت جاویدان پر کشید. روانش شاد و راهش پررهور باد.

زندگینامه علامه مجلسی

نام علامه مجلسی، محمد مشهور به باقر (محمدباقر) است. نام پدر علامه مجلسی، مولی محمدتقی و معروف به مجلسی اول است.

مادر علامه مجلسی دختر سید صدرالدین محمد حسینی عاشوری قمی است.

باید گفت تولد علامه مجلسی در روزهای آخر سال ۱۰۳۷ و احتمالاً در روز آخر ماه ذی حجه یا روز اول محرم ۱۰۳۸ بود.

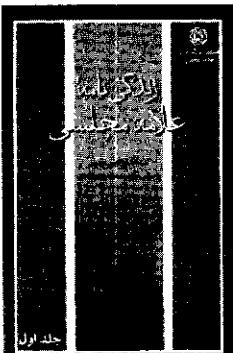
علامه مجلسی در خانواده علمی و روحانی متولد گردید پدر و اجدادش تا آن جا که می‌شناسیم از دانشمندان زمان و همگان عابد و زاهد و پرهیزگار بودند و آن‌هایی را که از اجداد مشار الیه به اسم و رسم نمی‌شناسیم بنا بر نقل آقا احمد کرمانشاهی در مرآت الاحوال، عالم و عابد بودند. تحصیلات علامه مجلسی از همان کودکی، یعنی خیلی

روایت احادیث اهل بیت علیهم السلام داده‌اند که برخی از آنان عبارتند از:

- مرحوم آیت الله حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی، تاریخ محرم الحرام سال ۱۳۶۳ هجری قمری.
- آیت الله العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی.
- مرحوم آیت الله شیخ محمد علی عراقی (اراکلی).
- آیت الله حاج سید مصطفی حسینی صفائی خوانساری
- اسامی برخی از تألیفات اعم از مطبوع و غیر مطبوع بر حسب حروف تهجی:
- به یاد کربلا (ترجمه).
- بیان المفاخر در شرح حال حاج سید محمدباقر حجة الاسلام شفتی، دو جلد مطبوع.
- تاریخ تشیع مردم اصفهان.
- تذکره شعرای معاصر اصفهانی، مطبوع.
- چهار کتاب در شرح حال و کلمات قصار حضرات چهارده معصوم



کتاب



جلد اول

آن که آستینی پر بار از میوه‌های گوناگون و دامنی پر از گلهای رنگارنگ فراهم ساختیم، از هر آیشخوری جرعه‌ای سیراب‌کننده نوشیدیم و از هر خرمنی خوشه‌ای بی‌نیازکننده بر گرفتیم. آنگاه به نتایج و غایات این دانشها اندیشیدیم... و سرانجام به فضل و الهام خدا دانستیم که زلال علم اگر از چشمه‌سار پاک وحی به دست نیاید، سیراب نمی‌کند، و حکمتی که از ناموس دین نباشد گواران نیست.»

در تایید سخنان خود مجلسی، محمدبن حسن حر عاملی (شیخ حر عاملی) صاحب وسائل الشیعه در اجازه خود درباره مجلسی نوشته است: «وی دقت نظر خود را صرف دانش حدیث و فقه، بلکه همه دانشها کرد و اندیشه‌های عمیق خود را در راه همه گونه‌های کمال به کار گرفت.»

پس آنچه به طور خلاصه می‌توان گفت این است که علامه مجلسی بیش و پیش از آن که در تحصیل علوم اساتید زیادی داشته باشد خود اهل تحقیق و تتبع بوده و علوم سرشار او بیشتر مدیون ویژگی علاقمندی و تحقیق و مطالعه وی است تا علوم اخذ شده از اساتید. البته نباید فراموش کرد که در پژوهشگری او همین بس که از آخرین آثار در عصر خود جستجو می‌کرده و با علماء و صاحب نظران مرادده‌ای داشته که قطعاً برای وی مفید و راهگشا بوده است!^۱

ایام تحصیل و تعطیل: چون عده زیادی از طلاب علوم دینی از اهالی دهات و شماری از آنان نیز متاهل بودند و در بیش‌تر مدارس، شرط سکونت در حجرات، بیتوته در آن‌ها بود، از این رو عموم محصلان از صبح شنبه تا عصر چهارشنبه در مدرسه ساکن و به درس و بحث و مطالعه مشغول بودند و روزهای پنج‌شنبه و جمعه درس‌های عمومی تعطیل می‌شد و آن‌ها که از خارج شهر بودند به موطن خود رفته ضمن رسیدگی به وضع خانواده و سرپرستی زن و فرزند به اقامه جماعت و ارشاد و هدایت می‌پرداختند و دیگران نیز به کارهای شخصی می‌رسیدند. علما و مدرسان بیش‌تر در این دو روز، به مباحثه و مذاکره علم اخلاق و رجال و دیگر علوم می‌پرداختند.^۲

اسامی اساتید و مشایخ علامه مجلسی:

- ۱- قاضی ابوشرف اصفهانی
- ۲- علامه جلیل مولی محمدتقی مجلسی
- ۳- شیخ حسن بن شهید ثانی
- ۴- میرزا رفیعا نائینی
- ۵- شیخ علی بن محمد بن حسن بن شهید ثانی معروف به شیخ علی کبیر و سبط شهید
- ۶- مولی محمد محسن بن شاه مرتضی بن شاه محمود کاشانی، معروف به ملامحسن فیض، عالم زاهد حکیم فیلسوف عارف محقق مدقق محدث مفسر ادیب شاعر از بزرگان علما و مفاخر محدثان شیعه.
- ۷- مولی محمدحسن بن محمد مؤمن استرآبادی
- ۸- مولی صدرالدین محمد بن ابراهیم بن یحیی قوامی شیرازی، معروف به آخوند ملاصدرا حکیم فیلسوف عارف مفسر، از شاگردان میرداماد و شیخ بهایی و میرفندرسکی بوده و از دو استاد اولیه اجازه روایت داشت، قریب پنجاه جلد کتاب و رساله تالیف نموده، که بسیاری از آن‌ها به چاپ رسیده و معروف‌تر از همه کتاب اسفار اربعه یا حکمت متعالیه و تفاسیر آیه‌الکرسی و آیه نور و آیه «وتری الجبال» و همچنین تفاسیر سوره‌های: اعلی، بقره، جمعه، حدید، زلزله، والضحی، والطارق،

زودتر از همسالانش - شاید در ستین سه و چهار سالگی - در نزد پدر شروع گردید که خود در شرح فقیه در باب نماز میت فرموده است:

الحمد لله رب العالمین که بنده در چهار سالگی همه این‌ها را می‌دانستم، یعنی خدا و نماز و بهشت و دوزخ و نماز شب می‌کردم و در مسجد صفا و نماز صبح را به جماعت می‌کردم و اطفال را نصیحت می‌کردم و به آیت و حدیث به تعلیم پدرم رحمهم الله.

روز وفات: وفات علامه مجلسی در شب یکشنبه (یا دوشنبه) ۲۷ رمضان المبارک سال ۱۱۱۰ در اصفهان روی داده است و تاریخ ۱۱۱۱ را که برخی از نویسندگان نوشته‌اند و متأسفانه در تمام مجلدات فهرست کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله نجفی مرعشی و در پشت جلد‌های بحار الانوار چاپ جدید نوشته شده، اشتباه و خالی از اعتبار است.

محل دفن: علامه مجلسی را پس از وفات طبق وصیت در بقعه پدر بزرگوارش در جلو قبر مشارالیه به خاک سپردند و قبر آن دو را متصل به همدیگر ساخته از زمین برآوردند. چندی بعد جمعی دیگر را نیز در جلو و عقب دفن نموده و قبور همگی را بالا آوردند که به صورت سکویی بزرگ شد. بالا سر هر یک از علمائین مولی محمد باقر و مولی محمد تقی مجلسی سنگی راست نهادند و اشعاری بر آن‌ها منقور است.^۳

تحصیلات علامه: محمدباقر که از هوش و استعداد فراگیری علم در سطح بالایی قرار داشت به کسب علم شیفتگی خاصی از خود نشان می‌داد. این استعداد باعث شده بود که وی در دوران کودکی و نوجوانی از شخصی فاضل به نام شیخ عبدالله بن جابر عاملی (پسر عمومی پدرش) اجازه روایت حدیث دریافت کند.

هر چند که از نحوه تحصیل علامه اطلاعات دقیقی در دست نیست اما مؤلف ریاض العلماء که از شاگردان و دستیاران وی در تدوین بحار الانوار بوده در شرح احوالش نوشته که علوم عقلی را نزد آقا حسین خوانساری و علوم نقلی را نزد پدرش فراگرفته است و دیگران نیز گفته‌اند که وی مراتب علوم را در خدمت پدر بزرگوارش فراگرفته و در اندک زمانی جامع علوم دینی و شهره‌ی آفاق گردید.

این گفته بیان‌کننده این نکته است که او در زمان حیات پدر - که در سال ۱۰۷۰ فوت کرد اندکی بیش از ۳۰ سال داشت - از شهرت علمی برخوردار بود و اگر از اساتید و مشایخ دیگر بهره‌ی علمی برده به زمانی قبل از این سال مربوط می‌شود. از این رو می‌توان در زمهری مشایخ او که از آنان اجازه روایت داشته از ملامحسن فیض کاشانی (متوفی ۱۰۹۶)، ملاصالح مازندرانی (متوفی ۱۰۸۰) و ملامحمد طاهر قمی (متوفی ۱۰۹۸) نام برد. هر چند که غرض، اجازه روایت بوده و رابطه‌ی تعلیم و تعلم در میان نبوده است. البته از برخی اشارات خود علامه هم به دست می‌آید که وی تنها از نوادر افرادی به طور رسمی و کلاسیک درس آموخته است. به هر حال آنچه به طور قطع و یقین درباره نحوه‌ی تحصیلات وی می‌توان گفت این است که یقیناً مرحوم محمد تقی مجلسی استاد مسلم علامه بوده است. اما وی چون اهل مطالعه و پژوهش بود، در اغلب رشته‌های علوم دینی دست بلندی داشته است چنانکه خود به این نکته اشاره کرده است: «من در ابتدای جوانی به فراگیری همه گونه‌های دانش عشق می‌ورزیدم و شیفته به دست آوردن میوه‌های درخت علم بودم و به فضل خدا به بوستانهای علم راه می‌یافتم و به برداشتهای درست و نادرست وقوف پیدا کردم، تا



کتاب پنجم

تحلیل‌ها اولویت را به نقل (آیه و سنت) اختصاص داده است. البته نباید این نکته را از یاد برد که این سخنان به معنای مبتنی ساختن باورهای کلامی بر بیانات شرعی نیست، تا از آن دور لازم آید، بلکه اولاً آشنایی او با روشها و بیانات موجود در قرآن و حدیث برای اثبات مسایل اعتقادی می‌تواند راهگشایی خوب برای کارهای کلامی باشد و ثانیاً بخش بزرگی از مسایل اعتقادی جز از راه مآخذ دینی به دست نمی‌آید و مقوله‌ای عقلی نیست.

با وجود آن که مجلسی از خرد و خردورزی نهایت بهره را برده و نیز به فلسفه ناآشنا نبوده، بر فیلسوفان خرده می‌گرفت و نسبت به اعتماد زیاد آنان به عقل و فلسفه انتقاد زیادی داشت. اعتراض او به فیلسوفان به این دو مساله بر می‌گردد که اولاً آنان با تکلف بسیار در تطبیق مسایل فلسفی بر تعبیرات (و گاه برعکس) منطبق کردن مطالب قرآن و حدیث بر دستاوردهای فلسفی می‌کوشند و ثانیاً برخی آرای ایشان مستلزم انکار برخی ضروریات دینی می‌شود.^۶

در این باب از مسایلی مانند نظریه فلسفی در تعریف عقل به معنای جوهر مجرد از ماده (که مستلزم انکار ضروریات دینی همچون حدوث عالم و منحصر بودن تجرد به خدا می‌شود)، انکار برخی از فیلسوفان درباره علم خدا به جزئیات، معاد جسمانی و چند مساله دیگر می‌توان یاد کرد.

نکته دیگری که در عقاید مجلسی مطرح است برخورد او با صوفیان است که تقریباً به اتفاق همه شرح حال نویسان، مجلسی از کسانی به شمار می‌رود که به جد با این طایفه ستیز کرده است. مجلسی در اعتراضات و انتقادات و ستیزه‌های خود، صوفیان را از چند جهت مورد عتاب قرار داده است

۱) مخالفت صوفیان با استمرار و همیشگی بودن عبادات شرعی چراکه از دیدگاه مجلسی آنان عبادات رسمی را تا جایی لازم می‌دانستند که یقین برایشان حاصل آید و یقین را به معنی یقین به وحدت وجود دانسته‌اند.^۷

۲) استفاده از الفاظ و واژه‌هایی که در عرف مرسوم است در رابطه با خدا و رابطه انسان با او

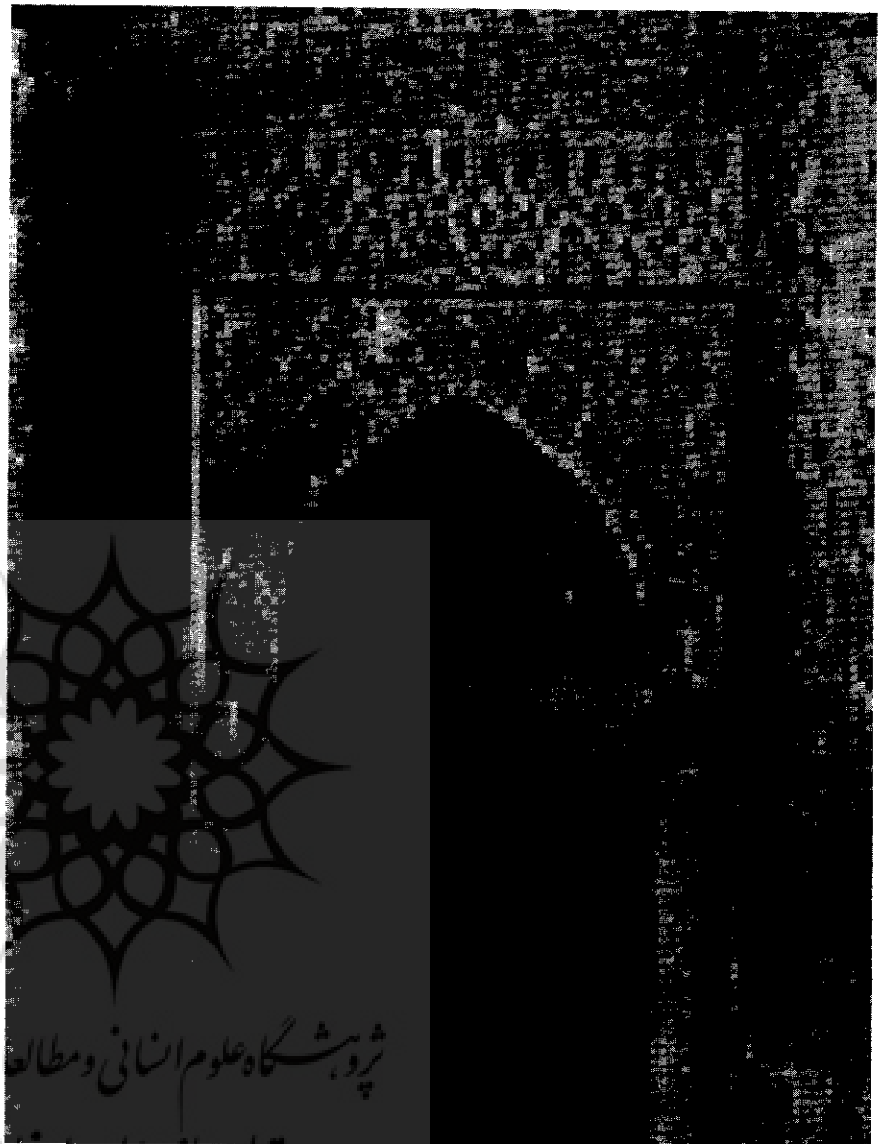
۳) کم اهمیت جلوه دادن انجام اعمال دینی

۴) جدا دانستن طریقت و شریعت از یکدیگر و استغنا از شریعت به هنگام وصول به حقیقت.

۵) بدعت گذاری صوفیان در دین

آنچه در این زمینه‌ها می‌توان گفت این است که علامه مجلسی در واقع در مقام آسیب‌شناسی عرفان تصوفی پرداخته است. زیرا حداقل پدر وی از عارفان بزرگ به شمار می‌آید که تذکره نویسان بر آن اتفاق دارند. به تعبیر دیگر در نگره‌های مجلسی باید عرفان را از تصوف (که شکل ظاهری و حزبی به خود گرفته بود) تمییز داد و به جرات می‌توان گفت که مجلسی هرگز با عرفان و عارفان مخالفت نداشته و صد البته که در این راه گام زده است.

بنابراین نمی‌توان به صرف مخالفت علامه مجلسی با برخی اعمال و اقوال صوفیه، ایشان را متهم به عارف ستیزی کرد بلکه او هم عمق و ذات و گوهر دین را عرفان می‌دانست که چیزی جز ارتباط عمیق انسان و خدا نبوده است و صد البته که همین امکان در ضمن انجام اعمال رسمی و شرعی دین، قابل دسترسی است و با آنها هرگز



فاتحة الكتاب، واقعه، یس و همچنین شرح اصول کافی و الشواهد الربوبیه و مشاعر، که شیخ احمد احسانی و مولی اسماعیل واحدا لعین اصفهانی آن را شرح کرده‌اند.

۹- سید محمد بن شرف‌الدین علی بن نعمت الله بن حبیب الله بن نصر الله حسینی موسوی جزائری معروف به سید میرزا.

۱۰- امیر سید محمد مؤمن بن دوست محمد حسینی استرآبادی، شهید به سال ۱۰۸۸ در مکه معظمه، داماد ملامحمد امین استرآبادی و شاگرد سید نورالدین علی بن علی موسوی عاملی.^۸

برخی از نظرات علامه مجلسی

علامه مجلسی از عالمان متکلم اسلامی است. اما چنانکه علم کلام در تمام ادیان به دو حوزه‌ی عقلی و نقلی تقسیم می‌شود در میان مسلمانان هم متکلمان در این دو حوزه به طور جداگانه و یا به طور هماهنگ به دفاع از دین و آموزه‌های دینی پرداخته‌اند. آنچه درباره علامه مجلسی می‌توان گفت این است که او عقل و خرد و فلسفه خود را به طور کامل در خدمت نقل قرار داده است و در ارزیابی نظرات و



معتمد نزد شیعه و از کتب اربعه حدیث محمدین ثلاثه اوائل است که در سه قسمت تالیف شده ۱- اصول ۲- فروع ۳- روضه

۱۲- حق الیقین، در اصول دین به فارسی درسی و یک هزار بیت، تاریخ تالیف آخر شعبان ۱۱۰۹ به نام شاه سلطان حسین صفوی و این آخرین تالیف معروف علامه مجلسی است که کلیه مباحث اصول دین را در بر می‌گیرد و به ویژه در بحث امامت، در نهایت بسط و توضیح در دو جلد.

۱۳- حلیة المتقین، در آداب و سنن به فارسی در ۱۴ باب و خاصه ۱۴- حواشی بر کتب اربعه، (کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار)

۱۵- عین الحیاء، در شرح وصیت رسول اکرم (ص) به ابی‌ذر عطار رضی‌الله عنه، به فارسی

۱۶- فقه المجلسی، رساله فتوایی است به زبان فارسی در تمام ابواب فقه از طهارت تا دیات، منسوب به علامه مولی محمد باقر مجلسی

۱۷- مرآت العقول فی شرح اخبار آل الرسول علیهم السلام، که عبارت است از شرح اصول و فروع کافی و از این کتاب مقام علمی و احاطه و تتبع علامه مجلسی معلوم می‌شود، مؤلف الذریعه درباره این کتاب می‌نویسد: «شرح لطیف مفیدی است، بلکه بهترین شروح کافی است»، در یکصد هزار بیت در دوازده مجلد تالیف شده و در سال ۱۳۲۱ قمری میرزا احمدخان مشیرالسلطنه آن را در چهار مجلد به چاپ رسانید. جلد اول: شرح کتاب عقل و چهل و توحید. جلد دوم: شرح جزء اول از کتاب حجت. جلد سوم: شرح از باب کراهیت توقیت تا آخر. جلد چهارم: ایمان و کفر و دعا و قرآن و عشره جلد پنجم تا یازدهم: فروع کافی از طهارت تا کفارات. جلد دوازدهم: شرح روضه کافی که در چاپ، اصول را در دو مجلد و فروع را در دو مجلد قرار دادند.

علامه مجلسی این شرح را از سال ۱۰۷۶ شروع نمود و تا پایان عمر به این کار مشغول بود و با وجود این، شرح ناتمام ماند.

۱۸- مشکات الانوار: در فضیلت و آداب قرائت قرآن، به نام شاه سلیمان تالیف شده است.

۱۹- مشکات الانوار، مختصر عین الحیوة.

۲۰- ملاذ الاخبار، در شرح تهذیب الاخبار به عربی در سه مجلد در پنجاه هزار بیت و از بهترین و مهم‌ترین شروح کتاب تهذیب است که تا آخر کتاب نکاح شرح گردیده است.

کتاب «زندگی نامه علامه مجلسی» در یک نگرش با وجود آن که عنوان کتاب اقتضا می‌کند که تمام یا اکثر مطالب آن به زندگانی علامه مجلسی مربوط باشد اما عملاً اینگونه نشده است بلکه در یک نگرش کلی می‌توان آن را به موضوعات زیر، مربوط دانست:

۱) زندگانی مجلسی‌ها (علامه محمد باقر که هدف اصلی است و محمدتقی مجلسی). این عنوان از آن جهت است که بیش از ۴۰٪ مطالب این دو جلد کتاب مربوط به محمد تقی و محمد باقر مجلسی رحمة الله علیهما است.

۲) شیعه نامه، از یک جهت می‌توان این اثر را نمای کلی از اعتقاد شیعه دانست. در جای جای کتاب علاوه بر موضوعات و عناوین

منافات ندارد. سخن خود مرحوم مجلسی گویای این ادعا است: «کفی بالله شهیداً که این ذره حقیر را با هیچ یک از سالکان آن طریق، عداوت دنیوی نبوده و نیست... در نوشتن و بیان این معانی به غیر رضای جناب سبحانی غرضی نیست»^۸

جالب اینجاست که مجلسی نه تنها به عرفان، معتقد و عامل بود بلکه هرگز تجربه‌های عرفانی را هم انکار نمی‌کرد. مضافاً بر این وی به تفسیر عرفانی برخی احادیث اسلامی نیز پرداخته است. در شرح یک روایت از تجربه‌های عرفانی پدرش مدد می‌گیرد و می‌نویسد: «بهترین بیانی که در این مقام شنیده‌ام مطلبی است که از والد علامه‌ی خود... بهره برده‌ام. این بیان از انوار کشف و یقینی است که در طریق پیمودن مقامات سلوک برای او آشکار شد.»^۹

این نوع نگرش به عرفان آن اندازه در آثار مرحوم مجلسی مطرح بوده که علامه از اصطلاح «فنا فی الله» یاد می‌کند و آن را محصول کثرت عبادات و ریاضات می‌داند.^{۱۰}

آثار مهم مرحوم مجلسی

۱- بحار الانوار شاهکار جاویدان علامه مجلسی: این کتاب مشتمل است بر مجموعه اخبار و احادیث و قصص و تواریخ که از پیغمبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام به وسیله بزرگان محدثان نقل شده و علمای گذشته در کتب خود آن‌ها را نقل کرده‌اند، به غیر از کتب اربعه که از غایت شهرت، احتیاج به نقل مجدد نداشته است.^{۱۱}

۲- آداب تجهیز الاموات، فارسی، شامل پنج فصل: ۱- آداب احتضار

۲- غسل ۳- کفن ۴- نماز ۵- دفن

۳- آداب الحج، رساله فارسی

۴- آداب الصلاة، رساله عملیه، فارسی در طهارت و نماز است.

۵- آداب صلاة اللیل

۶- اعتقادات، که آن را رساله در سیر و سلوک نیز گویند، به عربی.

این کتاب از تالیفات بسیار معروف علامه مجلسی است

۷- بدهاء (رساله در بدهاء)

۸- ترجمه توحید مفضل، حدیثی از آن حضرت در توحید حضرت حق جل و علا نقل می‌کند که در آن امام ششم از خلقت آسمان و زمین و ستارگان و عناصر و انسان و حیوان و جمادات، یگانگی خداوند متعال را ثابت فرموده و نظام عالم کبیر و صغیر را دلیل بر وحدانیت و قدرت او شمرده است و به دلایل واضح، بطلان عقاید باطله فرموده است.

این حدیث را علامه مجلسی ترجمه نموده و در برخی از مواضع که محتاج به شرح و بیان بوده، فی‌الجمله به شرح آن پرداخته است. بیش از پانزده مرتبه (و شاید بیش‌تر) در ایران و هند و عراق به چاپ رسیده و به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است.

۹- ترجمه قصه بودآسف و بلوهر، علامه مجلسی این داستان را در مجلد هفدهم بحار الانوار نقل فرموده و سپس ترجمه آن را در عین الحیوة بیان داشته است.

۱۰- جلاء العیون، فارسی، در تاریخ حضرات معصومین چهارده گانه علیهم السلام و مصائب آنان در بیست و دو هزار بیت، در یک مقدمه و چهارده باب، تاریخ ختم تالیف ۶ محرم ۱۰۸۹، کتاب در ایران و عراق و هند مکرر به چاپ رسیده و متداول است. اولین چاپ آن در ۱۲۴۰ قمری در تهران بصورت سربی منتشر شده است.

۱۱- حاشیه یا حواشی بر اصول کافی، کتاب شریف کافی از اصول

اما منظور از تحقیق کتابخانه‌ای تنها بهره‌گیری از کتب مربوط به علامه مجلسی نیست بلکه نویسنده محترم با بهره‌گیری از آثار زیادی که خود مرحوم مجلسی یا پیرامون او نوشته شده استفاده کرده است. بعلاوه از آثار فیزیکی باقی مانده از علامه مجلسی اعم از اماکن، نوادگان، وافرادی که به نحوی اطلاعات از وی نسل اندر نسل داشته‌اند بهره گرفته است و به تالیف اثر حاضر اهتمام ورزیده است. از نظر نحوه پردازش چند امر در تالیف این اثر مدنظر مولف محترم بوده است:

۱) نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم از دیگران (منابع دیگر)
 ۲) تبیین اطلاعات و داده‌های ارایه شده. مولف محترم در تحقیق خود برای اثبات دیدگاههای موردنظر حیطه منابع خود را گسترده کرده و علاوه بر آنچه ذکر شد، از منابع اهل سنت،^{۱۲} مستشرقان^{۱۳}، منابع تصوف^{۱۴} و تشیع اعم از کتاب و نشریه (قدیم و جدید) بهره گرفته و نظریه‌های خود را بر اطلاعات مستند مبتنی ساخته است. از این رو می‌توان این اثر را در عین برخی کاستی‌هایی که دارد (که در صفحات بعد به آنها اشاره کرده‌ایم) یک اثر تحقیقی و پژوهشی محسوب کرد. در عین حال نویسنده محترم از ارایه نظریه‌های خود نیز غفلت نجسته است.

مولف در موارد مختلف هنگام ارایه‌ی منابع، علاوه بر ذکر ماخذ، ضمن معرفی آنها بخش آغازین آنها را نیز ذکر کرده تا خواننده با روش نگارش و ... آنها آشنا شود.

مولف با برخورداری از امکانات موجود توانسته است با استفاده از منابع مدرن و سنتی حلقه پیوندی بین این دو دوره پدید آورد. البته اگر وی می‌توانست از منابع اصلی (نه ترجمه‌ها) بهره ببرد مسلماً به کیفیت اثر می‌افزود.

۳) تطبیق و مقایسه نظرات

۴) نقد و تحلیل نظریات داده شده و دفاع از نظریه خود
 مولف محترم با اشراف کامل به منابع موجود به بررسی نظرات مطرح شده پیرامون زندگی و عقاید مرحوم علامه مجلسی پرداخته و با ذکر دلایل مستند به رد یا تایید نظریه‌ای پرداخته است.

او در این زمینه از طرح دیدگاههای مختلف غفلت نکرده است و همه‌ی آنها را به طور دقیق مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است و در پایان، نظر مورد تایید خود را تبیین، تحلیل و از آن دفاع کرده است. وی خواننده را در برابر چندین گزینه قرار می‌دهد و اظهار می‌دارد که هر یک از آن گزینه‌ها، دلایل خاص خود را دارد اما نباید از کاستی‌های آنها غفلت ورزید بلکه باید توجه داشت که کدامیک از آنها با عقل و منطق و دلایل عقلی و نقلی و واقعیت تاریخی انطباق دارد.

به عنوان مثال مولف موضوع «شیعه شدن جمعی از اهل سنت» در زمان علامه مجلسی را مورد بررسی و تحقیق قرار داده و پس از ذکر نظرات «تنکابنی»، «ممنورسکی» و «سانسون» آنها را مورد بررسی قرار داده و با دقت تمام و ارایه‌ی مدارک لازم، نظرات آنان را مورد نقد قرار می‌دهد و اشتباهات آنان را گوشزد می‌کند!^{۱۵}

بدین ترتیب مولف محترم هرگونه اظهار نظری که افراد صاحب‌نظر درباره مجلسی، صفویه اصفهان و تشیع مطرح می‌کنند با وسواس مورد ارزیابی دقیق و مستند قرار می‌دهد و از جزئی‌ترین مسایل غفلت نمی‌کند. به عنوان مثال نویسنده محترم درباره منزل مسکونی علامه



اختصاصی مربوط به تشیع از قبیل: تاریخچه شیعه از اول پیدایش تا عهد صفویه به طور اجمال، شیعه و مبدأ پیدایش آن، وجه تسمیه شیعه، ظهور صفویه (ج ۱، صفحات ۳۵ - ۴۲)، عقاید کلی شیعه و نظرات بخش معظمی از علمای شیعه ذکر شده است. لذا اگر این اثر را گزارش اجمالی از عقاید شیعه بدانیم سخن درستی گفته‌ایم.

۳) تذکره‌العلمای شیعه، واقعیت آن است که نویسنده به هر بهانه‌ای که از یکی بزرگان شیعه نام می‌برد بخشی از کتاب را به زندگانی، آثار و عقاید وی اختصاص داده است و این گونه برخورد تقریباً در همه جای کتاب مشهود است (در هر دو جلد)

۴) تاریخ اصفهان، از چشم انداز دیگر، اثر حاضر را می‌توان بخشی از تاریخ و واقعیت‌های موجود اصفهان دانست زیرا به مناسبت‌هایی از مقایسه، اماکن معروف، مدارس و... سخن رفته و توضیحات کافی پیرامون آنها داده شده است. (صفحات ۴۷، - ۵۹ ج ۱)

روش نگارش و تحقیق

کتاب حاضر به روش تحقیق کتابخانه‌ای تهیه و تالیف شده است





بیش از ۲۰۰ صفحه از حجم کتاب کاسته خواهد شد.

۳) دفاع مطلق از رفتار، کردار، گفتار و عقاید هر فردی غیر از معصومان بزرگوار علیهم الصلوة والسلام بعید است که حتی بنفع آن فرد تمام شود که از او دفاع می‌شود. بالاخره خواننده متوجه خواهد شد که مگر می‌توان شخصیتی را در نظر گرفت که با وجود حجم بسیار عظیمی از آثار هیچگونه خطایی از وی سر نزنند؟! در این اثر در رابطه با علامه مجلسی (ره) چنین تعاملی شده است که مسلماً دفاعی ناقص از او تلقی می‌شود.

۴) تطبیق دولت حقه اسلامی با حکومت صفویه^{۱۷} نیز توجیه چندانی نمی‌یابد.

۵) از یک چشم انداز این اثر در واقع، دفاع از علامه مجلسی است نه بررسی بی‌طرفانه حیات این بزرگوار. از این رونگرش مولف محترم کاملاً جانبدارانه است نه علمی و نقادی از این رو به طور مطلق از علامه مجلسی دفاع کرده است به عنوان مثال وی درص ۲۳۶ ج ۱ طریقه علامه مجلسی را در برابر اصولیان و اخباریان قرار داده و آن را بر هر روش ذکر شده ترجیح داده است و در ص ۲۰۳ به دفاع از علامه مجلسی به نقد صوفیه پرداخته است در حالی که نگارنده در عین پذیرش روش مولف محترم این انتقاد را بر وی وارد می‌کند که از اصولیان و عارفان هم دفاع می‌شد تا در عین دفاع از مجلسی (ره) حقی از آنان ضایع شود. مضافاً بر این نویسنده چنان وانمود می‌کند که هیچ انتقادی بر مرحوم مجلسی وارد نیست^{۱۸} و چنانکه پیشتر اشاره کردیم این روش حداقل، در میان خواص قابل پذیرش نیست چنانکه شیوه سلف صالح در میان علمان متقدم و متأخر حوزه‌های علمیه بوده است.

پانوشتها:

- ۱- زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، تلخیص از صفحات ۱۵ - ۲۵
- ۲- زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، تلخیص از صفحات ۶۹ - ۷۱ و صفحات ۷۵، ۸۲، ۸۸ و ۹۰
- ۳- این قسمت تلخیصی است از: کتاب علامه مجلسی، نوشته حسن طارمی، صفحات ۱۱ - ۱۶، طرح نو، تهران ۱۳۷۵
- ۴- زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، صفحه ۱۵۴
- ۵- زندگی نامه علامه مجلسی، ج ۱، تلخیص از صص ۳۷۱ الی ۳۹۱
- ۶- همان، ص ۱۹۶
- ۷- علامه مجلسی، ص ۲۰۴
- ۸- همان، ص ۲۲۱
- ۹- علامه مجلسی، ص ۲۲۴ به نقل از عین‌الحیوة، ص ۲۳۹
- ۱۰- همان، ص ۲۳۹ به نقل از: الاربعین، ص ۱۰۱
- ۱۱- همان، ص ۲۴۰ به نقل از عین‌الحیوة، ص ۵۴
- ۱۲- زندگینامه علامه مجلسی، ج ۲، ص ۲۳۹
- ۱۳- نک: زندگانی علامه مجلسی، ج ۱، صفحات ۹۹ - ۱۰۱
- ۱۴- همان، صص ۱۱۶ - ۱۱۷
- ۱۵- همان، ص ۱۰۴
- ۱۶- نک: زندگینامه علامه مجلسی، ج ۱، صفحات ۱۴۵ - ۱۴۹
- ۱۷- همان، ص ۱۵۶
- ۱۸- نک: ج ۱، ص ۳۳۷

مجلسی (ره) هم از دقت نظر غفلت نکرده و اشتباهات برخی از نویسندگان و مترجمان را مورد بررسی قرار داده و ثابت کرده است که مثلاً جایی را که برخی بدون اطلاع دقیق، منزل مجلسی می‌پنداشتند منزل او نبوده و مجلسی هم هیچوقت در آنجا نماز نخوانده بود و...^{۱۶} وی در جای جای کتاب با نوشتن «نویسنده گوید» به اظهار نظر پرداخته و آن را اثبات کرده است

بررسی و ارزیابی

واقفیت آن است که نویسنده واقعاً زحمت طاقت فرسایی کشیده و حداقل ۱۳۸ منبع مستقل و غیر مستقل پیرامون علامه مجلسی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده و اطلاعات ذی‌قیمتی پیرامون مرحوم مجلسی جمع‌آوری کرده است و به طور تفصیلی به مطالب و موضوعات این اثر پرداخته است.

با وجود تمام این مزیت‌ها و ارجح‌گزارای نسبت به خدمات نویسنده محترم رحمة‌الله‌علیه، ذکر چند نکته ضروری است که مجموعاً کاستی‌های این اثر را نمایان می‌کنند.

۱) نویسنده در اثر حاضر مسلماً دو نکته اساسی را مدنظر قرار نداده و در عین زحمت طاقت فرسایی که کشیده از این دو موضوع سخت غفلت کرده در حالی که موضوع اصلی کتاب قاعدتاً پرداختن به آنها بوده است: ۱- شناخت تحلیلی عقاید مهم علامه (پیرامون جهان‌شناسی، خداشناسی، دین‌شناسی و انسان‌شناسی).

اگر بپذیریم که عظمت و بزرگی تمام شخصیت‌ها در عقاید، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های آنان است در این اثر این «مهم» چندان مشهود نیست و اگر هم باشد به دلیل عدم انسجام خواننده به سختی خواهد توانست به آنها دست یابد.

۲- شرح بیوگرافی مفصل و متصل علامه مجلسی. مولف محترم زندگینامه منسجم و متصلی از علامه به دست نداده و اگر هم این کار را انجام داده باشد آنقدر به حواشی پرداخته است که متن اصلی کاملاً گم شده است به عنوان مثال روند تحصیلات علامه به هیچ وجه مشخص نشده است. اگر چه نویسنده چندین بار تذکر داده که به تحصیلات علامه خواهد پرداخت ولی فقط در ص ۸۲ کتاب یک سطر و نیم بدان پرداخته و آن را به فصل چهارم موکول کرده است. درص ۹۲ نیز این وعده داده و فقط ۲ سطر بدان پرداخته و تفصیل آن را به آینده احواله کرده است. در فصل چهارم (ص ۳۶۹ - ۳۹۲) تنها به ذکر ۲۷ تن از اساتید وی پرداخته و بحث را تمام کرده است در حالی که از نحوه تحصیل علامه هیچگونه اطلاعی داده نشده است. و در مورد اول هم هرگز به لحاظ معرفت‌شناسانه به آموزه‌های مجلسی (ره) نپرداخته است. در حالی که وی می‌توانست با اشرافی‌که به منابع پیرامون مجلسی (ره) و خود آثار وی داشته است دستگاه فکری عظیمی را که مجلسی بنا کرده به نمایش گذارد و خواننده بتواند بایکبار مطالعه این اثر نسبتاً حجیم با دستگاه فکری مجلسی آشنا شود. (۲) اگر به عنوانی که بیشتر برای این اثر بر شمرده توجه شود و پراکندگی و حاشیه‌پردازی اثر حاضر مشهود می‌شود. واقفیت آن است که آنقدر حاشیه‌پردازی این اثر زیاد است که تشخیص اصول از فروع برای خواننده مشکل است. نگارنده بر اساس فهرست مطالب کتاب ۱۶۴ صفحه را به طور کامل نسبت به موضوع غیرمرتبط یافت. اگر بر این رقم، مطالب زاید و حاشیه‌ای کتاب را اضافه کنیم مسلماً

کتاب